

## بررسی عوامل مؤثر به ارتکاب جرم

### مورد مطالعه جرم ارتشا

فرشاد باقری<sup>۱</sup>

#### چکیده:

در وقوع جرم عوامل جرم‌زایی وجود دارد که موجب گرایش به ارتکاب جرم می‌شوند. این پژوهش به دنبال شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم ارتشاء می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و به لحاظ روش توصیفی - پیمایشی است؛ ابتدا از طریق بررسی نظری و مطالعات کیفی، تعداد ۸۵ عامل در هفت محور فردی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی - اجتماعی، سازمانی و جغرافیایی شناسایی شد و بر این اساس پرسشنامه‌ای از طیف لیکرت تهیه و بعد از تأیید روایی بین ۱۰ نفر از ۸۶ نفر جامعه آماری از کارکنان ناجا در استان قم، توزیع و پس از بررسی آماری پایایی آن نیز مطلوب ارزیابی گردید؛ سپس پرسشنامه میان کل جامعه آماری توزیع و جمع‌آوری شد. برای پاسخ علمی به سؤالات تحقیق داده‌های حاصله از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و از آزمون‌های تی تست تک نمونه‌ای و کای اسکویر و واریانس فریدمن، استفاده شد. نتایج حاصل از آزمودنی‌ها بیانگر این است که از بین عوامل شناسایی شده در گرایش به ارتکاب جرم ارتشاء عوامل فردی دارای اولویت اول و عوامل سازمانی در اولویت بعد قرار دارد.

#### واژگان کلیدی:

عوامل مؤثر، کارکنان ناجا، جرم ارتشاء.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مفید و کارشناس قضایی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، پست الکترونیکی: bagheri.farshad66@yahoo.com

ارتشاء از جمله جرائمی است که سابقه تاریخی بسیار کهن دارد و بدون شک از زمان تشکیل حکومت‌ها و ایجاد پست‌ها و اختیارات برای مستخدمان، دریافت رشوه شروع به وقوع پیوستن نموده است، لذا می‌توان گفت که این جرم قدمتی برابر عمر بشریت و تشکیل حکومت‌ها دارد. با نگاهی به تاریخ قانونگذاری مشاهده می‌گردد که دولت‌ها در ادوار مختلف برای مبارزه با این جرم واکنش‌هایی را در نظر گرفته‌اند اما با کمال تأسف باید بیان نمود که با وجود استمرار و گسترش این جرم در سطح جامعه، این جرم مهار نگردیده و با گذشت زمان حتی ریشه‌های شکل‌گیری آن بسیار عمیق‌تر شده است. بی‌جهت نیست بگوییم که ارتشاء دیو سیاه نامرئی است که همچنان با صدای بلند می‌گرد؛ این ضرورت احساس می‌شود که تنها باید به دنبال شناسایی ریشه‌های شکل‌گیری این جرم باشیم.

## ۲- بیان مسأله

یکی از مفاصد مالی و اداری که از گذشته‌های دور مورد توجه جامعه بشری و همواره موجب تحریک افکار عمومی است، رشوه می‌باشد. با نگاهی به تاریخ مشاهده می‌شود که این جرم عمدتاً در اماکن دولتی و در مورد کارگزاران و مستخدمان حکومتی تحقق یافته است. رشوه شامل دو جزء رشاء و ارتشاء می‌باشد که هر یک از اینها جرم مستقلی به شمار می‌روند؛ عمل رشوه دادن را رشاء و عامل آن را راشی، و عمل رشوه گرفتن را ارتشاء و عامل آن را مرتشی می‌نامند. ممکن است در رشوه علاوه بر این دو جرم رشاء و ارتشاء جرم دیگری به نام تسهیل جرم ارتشاء نیز وجود داشته باشد که عامل آنرا رایش می‌گویند. ما در این پژوهش با روشن کردن رشوه، رشاء، تسهیل ارتشاء و ارتشاء حوزه بحث خود را تنها به جرم ارتشاء اختصاص می‌دهیم، زیرا در فرایند تکوین این جرم عوامل پنهان مؤثری وجود دارد که همیشه به دور از تصور اشخاص جامعه می‌باشد. به طور معمول مرتکبان جرم ارتشاء هنگامی که مورد بازخواست قرار می‌گیرند از بیان آن عوامل پنهان مؤثر بنا به دلایلی خودداری می‌کنند؛ این در حالی است که این عوامل محرک اصلی وقوع جرم ارتشاء می‌باشند. منظور ما در این پژوهش همان عوامل مؤثر است و لفظ پنهان در مقابل لفظ آشکار مد نظر نمی‌باشد.

ارتشاء یکی از شایع‌ترین جرائم مالی در سطح جامعه می‌باشد و ریشه‌های شکل‌گیری و گسترش آن بسیار عمیق است؛ لذا در صدد این برآمده‌ایم تا با انجام تحقیقات میدانی اصل واقعیت و عوامل مؤثر بر وقوع این جرم را شناسایی نماییم و در عرصه‌های مختلف فردی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، جغرافیایی، سیاسی و سازمانی اقدامات و تلاش‌های جدی و برنامه‌ریزی شده‌ای را انجام دهیم تا به صورت ریشه‌ای به مبارزه و پیشگیری از این جرم بپردازیم.

ارتشاء از جمله جرائمی است که جنبه اجتماعی آن بسیار بارزتر از جنبه فردی آن است و به عبارتی بزه‌دیده اصلی در جرم ارتشاء جامعه می‌باشد، به گونه‌ای که اخلاق اجتماعی را ویران می‌سازد و به سادگی اصول و مقررات را در هم می‌ریزد و امید و اعتماد و اطمینان به ارزش‌ها و قوانین حاکم بر جامعه را در هم می‌شکند. این جرم در زمره تعدیات مأمورین دولتی نسبت به افراد تلقی می‌شود ولی متأسفانه رو به ازدیاد است که همین امر باعث بدبینی افراد جامعه نسبت به قشر کارمندان و مستخدمین می‌گردد و موجب سلب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام اجرایی و اداری و از بین رفتن زمینه رقابت سالم و فاسد شدن مأموران دولتی می‌شود. همچنین رقم سیاه<sup>۱</sup> (جرائم نامکشوف و اعلام نشده) در این جرم بسیار بالاست که این موضوع بسیار خطرناک است.

<sup>1</sup> - Hidden part of criminality.

ارتشاء به عنوان شایع‌ترین فساد مالی و اداری امروزه در بخش‌های مختلف جامعه رواج پیدا کرده است، به گونه‌ای که نیازمند جرم‌انگاری ارتشاء در بخش خصوصی نیز می‌باشیم. این موضوع که رشوه امروزه قبح اجتماعی خود را از دست داده است و به امری رایج در روابط تبدیل شده است بر کسی پوشیده نیست، همچنانکه عامه مردم این عمل را اصطلاحاً زرنگ-بازی می‌نامند. با نگاهی به اخبار و روزنامه‌ها مشاهده می‌شود که نظام اداری و مالی ما به شدت دامن‌گیر معضل ارتشاء شده است و این در حالی است که اقدامات فراوانی از سوی دولت برای مبارزه با این جرم صورت گرفته است. (به عنوان مثال در پرونده معروف فساد مالی شهرام جزایری، در روزنامه جمهوری ۴ بهمن ۱۳۸۰ بیان شده است: جزایری در دفاعیاتش گفت این اولین باری بود که برای پیش بردن کاری پولی پرداخت می‌کردم «رشوه به رئیس صندوق ضمانت بانک صادرات»؛ یا در روزنامه کیهان ۲۴ تیر ۱۳۸۱ آمده است: رئیس سالن همایش‌های میلاد، تلویزیون رنگی، دوربین فیلمبرداری، مایکروفر و مبلغ ۵۰ هزار دلار به‌عنوان رشوه به ح ک متهم ردیف دوم پرداخته است).

با توجه به اینکه کارکنان ناجا یکی از مهم‌ترین متولیان برقراری نظم و امنیت در جامعه می‌باشند و بیشتر در سطح جامعه و تماس مستقیم با افراد مختلف هستند تحقیق خود را بر اعمال ارتكابی این اشخاص قرار می‌دهیم. همچنانکه ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲، ارتكاب جرم ارتشاء را توسط کلیه پرسنل نیروهای مسلح جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است. بدیهی است در صورت ارتكاب چنین جرمی از سوی کارکنان ناجا به عنوان گروهی از نیروهای مسلح، موجبات بی‌اعتمادی و عدم همکاری‌های جامعه مدنی در برقراری نظم و امنیت و زیر سؤال رفتن کل سازمان ناجا در سطح ملی و بین‌المللی ایجاد می‌شود. همچنین جرم ارتشاء موجب فساد در اداره پلیس می‌شود و در نتیجه این اداره کارایی مفید در جامعه را از دست خواهد داد، لذا شایسته است با بررسی‌های دقیق، عوامل پنهان مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء را بیابیم.

### ۳- هدف تحقیق

- روشن سازی عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء.

### ۴-۱- سؤال اصلی

- لایه‌ها یا عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء کدامند؟

### ۴-۲- سؤال‌های فرعی

- الف- عوامل فردی مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء کدامند؟
  - ب- عوامل اقتصادی مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء کدامند؟
  - پ- عوامل سیاسی مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء کدامند؟
  - ت- عوامل حقوقی مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء کدامند؟
  - ث- عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء کدامند؟
  - ج- عوامل سازمانی مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء کدامند؟
- عوامل جغرافیایی مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتكاب جرم ارتشاء کدامند؟

## ۵- پیشینه تحقیق

۵-۱- رساله‌ای برای اخذ درجه دکتري در سال ۲۰۰۵ در دانشگاه لوون توسط پيتر ورهزن<sup>۱</sup> با موضوع «هدايا و رشوها (تحقیقی درباره محدودیت‌های متقابل)» دفاع شده است. این تحقیق خواهان تجدیدنظر اخلاقی است تا در برابر بی‌عدالتی ناشی از فساد که زیان‌های زیادی در جامعه دارد، واکنش نشان داده شود. برخی از شیوه‌های هدیه دادن که در فرهنگ‌های جنوب شرقی آسیا وجود دارد به گونه‌ای است که به سختی قادر به تمایز آنها از رشوه هستیم و از آنها برای سرپوش گذاشتن بر عمل ارتشاء، سوءاستفاده می‌شود. خویشنداری، محدودیت‌های قانونی و فضایل اخلاقی می‌توانند نسبتاً از این معضل اجتماعی جلوگیری کنند (ورهزن، ۲۰۰۵).

۵-۲- پایان‌نامه‌ای برای اخذ درجه کارشناسی ارشد در سال ۲۰۱۰ در دانشگاه سنگاپور توسط ونگ کویفن<sup>۲</sup> با موضوع «تجزیه و تحلیل رشد ارتشاء در چین (مطالعه‌ای مقدماتی)» دفاع شده است. این پایان‌نامه عوامل اصلی در وقوع ارتشاء را به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرده است؛ عوامل داخلی مربوط به خود دولت از جمله عدم کفایت و اثر بخشی سیاست‌های ضد ارتشاء، فقدان استقلال سازمان‌های حقوقی و ضعف نظارت می‌باشد؛ عوامل خارجی مربوط به دولت و بخش خصوصی هستند که رشد بخش خصوصی و افزایش تعاملات با دولت علت ارتشاء است. پیشنهاد شده است که در سطوح ملی و استانی باید سیاست‌های ضد ارتشاء بکار گرفته شود (کویفن، ۲۰۱۰).

۵-۳- یک طرح پژوهشی زیر نظر سازمان قضایی نیروهای مسلح در سال ۱۳۷۸ با موضوع «بررسی علل ارتکاب جرم ارتشاء در نیروهای مسلح» توسط جمعی از نویسندگان انجام شده است. این تحقیق کاربردی است و در سه مرحله مشاهده، فرضیه و تحقیق انجام شده است. نتیجتاً این تحقیق بیان می‌کند که عوامل اقتصادی و معیشتی، عدم آموزش و نبود نظارت و کنترل عوامل وقوع جرم ارتشاء در نیروهای مسلح می‌باشند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸).

۵-۴- پایان‌نامه‌ای برای اخذ درجه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۰ در دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز) توسط مسعود والایی با موضوع «علل ارتکاب جرم رشاء و ارتشاء در نیروهای مسلح» دفاع شده است. در این تحقیق محقق فرضیات اصلی و فرعی پژوهش را در قالب پرسشنامه‌ای با ۲۵ گویه تدوین و در میان ۸۰ نفر از محکومین دادگاه‌های نظامی (محکومین به جرم ارتشاء) توزیع نموده است، محقق نتیجه‌گیری کرده که مشکل مسکن مهم‌ترین علت بروز جرم ارتشاء در نیروهای مسلح می‌باشد (والایی، ۱۳۸۰).

۵-۵- پایان‌نامه‌ای برای اخذ درجه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۸ در دانشگاه علوم انتظامی توسط باقر جعفری با موضوع «نقش فرماندهان و مدیران انتظامی در پیشگیری از جرم ارتشاء از نظر کارکنان سر کلانتری پنجم تهران بزرگ (۱۳۸۶-۱۳۸۷)» دفاع شده است؛ این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، بیان کرده است که نقش فرماندهان و مدیران انتظامی در کاهش زمینه‌های ارتکاب جرم ارتشاء مؤثر می‌باشد و مهم‌ترین آنها ممانعت از معاشرت با افراد ناباب و کمک برای پرداخت دیون (بدهی) مالی کارکنان و خانواده‌های آنان است (جعفری، ۱۳۸۸).

۵-۶- پایان‌نامه‌ای برای اخذ درجه کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه علوم انتظامی توسط صیدال فعال با موضوع «بررسی تأثیر نظارت و بازرسی در صحت عمل رد رشوه کارکنان پایور فرماندهی مرزبانی ناجا (فرماندهی دریابانی استان بوشهر)» دفاع شده است؛ این تحقیق که به روش توصیفی - پیمایشی انجام شده است نشان داد که روش بازرسی و

1- Verhezen, Peter.

2- Cuifen, Weng.

نظارت قبل از عمل در مقایسه با هنگام عمل و بعد از عمل، در صحت عمل کارکنان مرزبانی ناجا در فرماندهی دریابانی استان بوشهر مؤثرتر است (فعال، ۱۳۹۰)

## ۶- تعاریف و مفاهیم

### ۶-۱- عوامل جرم‌زا

به طور کلی عامل را هر وضع جسمانی یا روانی یا اجتماعی گویند که می‌تواند در پیدایش یا افزایش جرم نقش قطعی داشته باشد اما این تأثیر مطلق نیست و در تمام موارد نمی‌تواند قاطعیت داشته باشد (کی‌نیا، جلد اول، ۱۳۸۶: ۶۲). عوامل جرم‌زا را می‌توان این چنین تعریف نمود: «محرک‌های مؤثر درونی یا بیرونی و یا هر دو هستند که پرورش‌دهنده ارتکاب جرم در وجود شخص بوده و موجب گرایش به ارتکاب جرم می‌شوند و این محرک‌ها در نهایت علت وقوع جرم را ایجاد می‌کنند». همچنانکه گین برگ<sup>۱</sup> جرم‌شناس سوئدی معتقد است: هر عملی که از فردی سر می‌زند واکنش یک محرک است و تمام اعمال شخصی متأثر از عوامل جسمانی و روانی و اجتماعی است و از مجموع این عوامل جرم‌زا یک علت پدید می‌آید (سلاحی، ۱۳۸۸: ۸۸). در مورد عوامل جرم‌زا طبقه‌بندی‌های زیادی صورت گرفته که مرسوم‌ترین آنها طبقه‌بندی در دو دسته درونی و بیرونی است:

### ۶-۱-۱- عوامل جرم‌زای درونی

عوامل جرم‌زای درونی با ویژگی‌های خود قابل تفکیک به دو گروه عوامل ارثی و اکتسابی‌اند.

#### ۶-۱-۱-۱- عوامل ارثی

عوامل ارثی شامل با خود آورده‌هایی است که کودک از پدر و مادر و نیاکان خود گرفته و هنگام زادن با خود به دنیا آورده است. پژوهش‌های سال‌های اخیر در زمینه علم وراثت نشان می‌دهد که پاره‌ای از ناپهنجارهای کروموزومی تأثیر ژرفی در عواطف، هیجان‌ها و به طور کلی رفتار انسان دارد (اردبیلی، ۱۳۸۷، ۲۹).

#### ۶-۱-۱-۲- عوامل اکتسابی

ویژگی‌های اکتسابی شخصیت انسان سبب می‌شود پاره‌ای از استعدادها بالقوه ارثی شکوفا شود و یا به عکس سدها راهی برای بالندگی آن فراهم گردد. این ویژگی‌ها که در جرم‌زایی آنها نمی‌توان تردید کرد، گاه به طور غیرارادی بر رشد و نمو جنین تأثیر می‌گذارد مانند پیش‌آمدهای استثنایی در دوران بارداری، گاه به طور ارادی کسب می‌شود، مانند مصرف مواد مخدر (همان).

### ۶-۱-۲- عوامل جرم‌زای بیرونی

عوامل جرم‌زای بیرونی شامل عواملی است که در محیط شخص را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و تحریک کننده رفتارهای او محسوب می‌شود. این عوامل خود به دو دسته محیط جغرافیایی و محیط اجتماعی تقسیم می‌شود (همان).

#### ۶-۱-۲-۳- ارتشاء

رشوه خواری معلول آسوده طلبی و زیاده خواهی است و به علاوه، حکایت از وجود نقیصه و اشکال در کارکرد نهادهای اعمال حاکمیت و کنترل اجتماعی دارد. به لحاظ همین ارتباط تنگاتنگ، قانونگذار ارتشاء را جزء جرائم مرتبط با امنیت و آسایش عمومی قلمداد نموده است (جزایری فارسانی، ۱۳۸۲: ۸۷). فرایند دریافت رشوه را ارتشاء و گیرنده آن را مرتشی

<sup>1</sup> - Kinberg.

می‌نامند. از منظر حقوقی، در حقوق ایران عمل مجرمانه‌ای تحت عنوان ارتشاء وجود دارد ولی تعریفی از آن ارائه نشده است؛ تنها در مواد ۳ و ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و مواد ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۴ و ۸۲۵ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به جرم‌انگاری آن پرداخته است و در سایر قوانین، ارتشاء به عنوان موارد خاص مانند ارتکاب جرم ارتشاء توسط نظامیان موضوع ماده ۱۱۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، جرم شناخته شده است. در یک تعریف جامع جرم ارتشاء را می‌توان به معنی «اخذ وجه، مال یا سند تسلیم وجه یا مال از سوی مأموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی و سایر افراد مذکور در قانون برای انجام یا عدم انجام وظایف مرتبط با اداره یا سازمان محل اشتغال آنها، دانست» (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۳۶۳).

## ۱-۷- ادبیات تحقیق

### ۱-۱-۷- نظریه‌های مربوط به نقش عامل فردی

#### • رفتارگرایی و جرم

«جان بی واتسون»<sup>۱</sup> در آخرین ویرایش کتاب «رفتارگرایی» با موضوع روان‌شناسی «کهن» به مخالفت پرداخت: «در مقابل، رفتارگرایی بر این باور است که موضوع روان‌شناسی انسانی رفتار آدمی است». آنچه بیش از همه مورد ستایش واتسون قرار گرفت یادگیری بود، و نه غرایز. به اعتقاد واتسون فهم شیوه‌های شکل‌گیری رفتار کلید کنترل فعالیت‌های آدمی است. «هایس آیسنک» وجدان را عامل کنترل رفتار ضد اجتماعی می‌دانست. بیان می‌کند متعارف‌ترین جرائم حاوی خطراتی ذاتی و پاداش‌های خارجی نسبتاً حقیر هستند. او از ضرورت موقع‌شناسی به منظور مؤثر بودن برنامه تقویت سخن گفته است: «رفتاری که یک رضایت خاطر اندک اما فوری را در پی دارد، تکرار خواهد شد، حتی اگر پیامد آن عواقبی دردناک و بزرگ اما با تأخیر باشد» (ال . وینفری، ۱۳۸۸: ۱۹۲-۱۸۵).

#### • نظریه معاشرت‌های ترجیحی

نظریه «ادوین اچ ساترلند» در انتقاد به نظریه از هم گسیختگی اجتماعی مطرح شد. او پس از بیان نظریه بزهکاران یقه سفید، بر اساس فرایند یادگیری جرم نظریه معاشرت‌های ترجیحی را بیان کرد. او معتقد بود که جرم مثل اعمال دیگر یادگرفتنی است و به‌عنوان یک خصیصه اکتسابی از طریق فراگیری وارد شخصیت فرد می‌شود. نظریه معاشرت‌های ترجیحی مبتنی بر چگونگی انتقال رفتار مجرمانه است. پس در دید ساترلند آنچه مهم است تعامل میان گُنش بین افراد یا ارتباط متقابل بین افراد است. رفتار مجرمانه در ارتباط با دیگران و در چارچوب سازوکار تعبیر و برداشت فرد از الگوی خود بوجود می‌آید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۰۳۰-۲۰۲۸).

#### • نظریه تقلید

«گابریل تارد»<sup>۲</sup> از نخستین جرم‌شناسانی است که این نظریه را مطرح نمود که جرم رفتاری بهنجار است که از طریق یادگیری به وجود می‌آید. استدلال وی این بود که مجرمان پیش از هر چیز مردمانی عادی‌اند که به واسطه تولد، در فضایی پرورش یافته‌اند که جرم را به عنوان یک شیوه زندگی در آنجا یاد می‌گیرند؛ وی نظریه خود را با عبارت «قوانین تقلید» مطرح نمود (ولد و برنارد و اسنیپس، ۱۳۹۰: ۲۴۹-۲۵۰).

<sup>1</sup> - John B. Watson.

<sup>2</sup> - Gabriel Tarde.

## • نظریه معنای جرم از دید خویشتن (فنون خنثی سازی)

نظریه میانکنش باوری نمادین بیان می‌کند که کنش‌های انسانی بر حسب معنایی که آن کنش‌ها برای کنشگران دارند و نه بر اساس شرایط پیش‌باش زیست‌شناسانه، روان‌شناسانه یا اجتماعی، به بهترین صورت درک می‌شوند. یکی از معناهای مطرح در نظریه میانکنش نمادین معنایی است که مردم به خودشان می‌دهند- یعنی خود- انگاره‌های آن‌ها. ممکن است کسی انتظار داشته باشد کسانی که مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌شوند، خود را مجرم بیندارند- یعنی، یک خودانگاره مجرمانه داشته باشند؛ در حقیقت بسیاری از آن‌ها چنین نیستند. «سایکس» و «متزا»<sup>1</sup> بیان می‌کنند در این راه ممکن است از پنج شگرد خنثی‌گری استفاده شود: نپذیرفتن مسئولیت (آن عمل تقصیر من نیست)، نپذیرفتن خسارت (آن‌ها از عهده آن برمی‌آیند)، تکذیب بزه‌دیدگان (آن‌ها استحقاق آن رفتار را داشتند)، محکوم نمودن محکوم‌کنندگان (هر کسی به هر حال به نوعی پشت‌هم‌انداز است) و توسل به علایق بالاتر (من آن را برای باند انجام دادم) (همان: ۳۰۰-۲۹۸).

## • نظریه انتخاب عقلانی

دو اثر «کرنیش» و «کلارک» از اولین آثاری است که نظریه انتخاب عقلانی را در جرم‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند و ضمن تحلیل پدیده مجرمانه در سطح فردی مدعی هستند که گزینش این نوع رفتار عمدتاً با تکیه بر ویژگی‌ها، رفتار کجروانه و همچنین خصایص فردی مجرم صورت می‌گیرند. بدین معنا که بزه‌کار برای ارتکاب بزه هم موقعیت تحقق بزه و احتمال به نتیجه رسیدن آن و هم توانایی‌ها و مهارت‌ها و نقاط ضعف خود را می‌سنجد، نتیجه آنکه طبق نظریه انتخاب عقلانی، ارتکاب یک عمل مجرمانه تا حد زیادی بستگی به منافع و مضرات ناشی از آن عمل و در عین حال تفاوت‌های فردی افراد دارد (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۴).

## • نظریه شخصیت جنایی

این نظریه که از سوی جرم‌شناس فرانسوی «ژان پیناتل» مطرح گردید، تفاوت میان بزه‌کار و غیربزه‌کار، در ساختار شخصیت آنها است؛ بزه‌کار، ساختار شخصیتی جنایی دارد و از یک سلسله خصوصیات روانشناسی برخوردار است که شخصیت جنایی او را تشکیل می‌دهد. این شخصیت همچون دایره‌ای، دربرگیرنده چهار خصوصیت اصلی است که هسته مرکزی شخصیت جنایی را تشکیل می‌دهد و مکانسیم گذر از اندیشه به عمل را سازماندهی می‌کند. به عبارت دیگر، تعامل این خصوصیات با یکدیگر، یا فعال شدن یکی از آنها فرد را به سمت جرم سوق می‌دهد. به تعبیر پیناتل بزه‌کار اقتصادی از عقده حقارت رنج می‌برد و همین امر، عامل محرک و انگیزه اصلی او برای کسب قدرت به‌شمار می‌رود. در عین حال باید توجه داشت که مجرم اقتصادی از چنان قدرت و توانایی فکری برخوردار است که آن دسته از علائم بیرونی قدرت را که حساسیت برانگیز است مخفی می‌نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۳۴۰-۲۳۳۵).

## • رویکرد محرومیت نسبی

از این دیدگاه، فساد واکنشی از سوی افراد و گروه‌های اجتماعی به نظام سیاسی است. آنها احساس می‌کنند منافع و ترجیحاتشان آن گونه که مورد انتظار است تأمین نمی‌شود. در این حالت افراد از فرایندهای سیاسی پذیرفته شده عدول و از نقاط ضعف آن به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند. این روند متوقف نمی‌شود مگر آنکه احساس نابرابری و محرومیت در میان

<sup>1</sup> - Sykes and Matza.

آنها کاهش یابد یا نظام سیاسی توجیه متقاعد کننده‌ای برای تداوم و ضرورت تبعیض‌ها ارائه کند (گرچی و عابدی، ۱۳۸۸: ۱۶).

#### ۷-۱-۲- احصاء عوامل فردی مؤثر بر گرایش کارکنان به ارتکاب جرم ارتشاء

با توجه به نظریات بیان شده، مطالعات پرونده‌ای در این خصوص، مصاحبه با نخبگان نیروی انتظامی و استادان دانشکده-های حقوق و علوم انتظامی، مهمترین عوامل فردی در ۱۰ بند به شرح زیر بیان شده‌اند: منفعت طلب بودن کارکنان در اثر شناخت جرم ارتشاء- قوی بودن قدرت یادگیری رفتار مجرمانه کارکنان جهت یادگیری جرم ارتشاء- تقلید جرم ارتشاء- استفاده کارکنان از فنون خنثی‌سازی جرم برای فرار از مرتشی شناخته شدن- محاسبه ناقص کارکنان از عواقب جرم ارتشاء- ریسک‌پذیر بودن کارکنان برای ارتکاب جرم ارتشاء- ترجیح منافع فردی بر منافع سازمانی- از بین رفتن انگیزه خدمتی کارکنان- بالا بودن ضریب هوشی کارکنان برای ارتکاب جرم ارتشاء و توان سازگاری با جامعه برای پنهان سازی جرم ارتکابی- وجود احساس محرومیت نسبی در جامعه و در درون کارکنان

#### ۷-۲- نظریه های مربوط به نقش عامل اقتصادی

##### • نظریه نظم اجتماعی و نظم فردی

این نظریه که منسوب به «دلما س مارتی» است، علل بزهکاری اقتصادی را از یک سو در محیط اقتصادی و مالی و از سوی دیگر در خود فرد جستجو می‌کند. به موجب این نظریه، نظم اجتماعی و اقتصادی همواره دچار نوسان است. رکود و شکوفایی اقتصادی هر دو می‌توانند ارتکاب جرم را تسهیل کنند. فعالان اقتصادی در مواقع بحران و رکود با مشکلات غیرمترقبه‌ای روبرو می‌شوند. در این نظریه به عوامل فردی و انسانی هم توجه شده است، زیرا اشخاص حقوقی از طریق اشخاص حقیقی که خود بازرگان هستند، اداره می‌شوند. انتصاب مدیر غیرمتخصصی که توانایی رویارویی با وضعیت‌های پرتلاطم اقتصادی را ندارد لاجرم سرمایه شرکت را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد. بنابراین در این نظریه، عامل روان شناختی و مطالعه شخصیت و ویژگی‌های روانی مرتکبین جرائم اقتصادی حائز اهمیت است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۳۵-۲۳۴۹).

##### • نظریه سطح درآمد

در ادبیات نظری اقتصاد جرم، اولین اقتصاددانی که به تحلیل اقتصادی موضوع جرم و جنایت پرداخت، «فلیشر» بود. وی به بررسی اهمیت ارتباط میان جرم و شرایط بازار کار از دیدگاه سیاست‌های عمومی پرداخته است. فلیشر در سال ۱۹۶۶، به بررسی نقش درآمد بر تصمیم‌گیری افراد در زمینه اقدام به جرم و جنایت پرداخته است، وی می‌نویسد: «تئوری اساسی در این زمینه که درآمد کم، تمایل به جرم را می‌افزاید، این است که این امر موجب افزایش هزینه نسبی اختصاص زمان به کارهای قانونی می‌گردد، همچنین هزینه محتمل ناشی از دستگیری، نسبتاً کم است چرا که آنها (افراد با درآمد کم) درآمد قابل توجهی را برای دوران زندگی خود در زمان اشتغال به کارهای قانونی متصور نبوده و در نتیجه هزینه فرصت زمان اختصاص داده به جرم و جنایت و یا صرف مدت زمانی از زندگی در زندان چندان زیاد نیست» (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۳: ۲۶).



## • نظریه فونتان<sup>۱</sup>

به اعتقاد فونتان همه بزهکاران اقتصادی، گناهکار نیستند بلکه برخی از آنها برای جلوگیری از بحران‌ها و تشدید وضعیت نابسامان اقتصادی خود، مرتکب اعمالی می‌شوند که جرم محسوب می‌شود اما انگیزه سوء ندارند. گروهی نیز با هدف مال اندوزی و کسب درآمد و بدون این که تحت شرایط اضطراری باشند، جرم انجام می‌دهند. در جرم‌شناسی انگیزه ارتکاب جرم، عامل مهمی است پس باید میان این دو گروه تفکیک کرد و واکنش‌های متفاوتی اعمال نمود (زراعت، ۱۳۹۱: ۶۳).

### ۷-۲-۲- احصاء عوامل اقتصادی مؤثر بر گرایش کارکنان به ارتکاب جرم ارتشاء

با توجه به نظریات بیان شده، مطالعات پرونده‌ای در این خصوص، مصاحبه با نخبگان نیروی انتظامی و استادان دانشکده-های حقوق و علوم انتظامی، مهمترین عوامل اقتصادی در ۳ بنده شرح زیر بیان شده‌اند: شرایط نامساعد اقتصاد حاکم بر جامعه- توزیع نامناسب درآمد میان کارکنان دولت- فقدان تأمین زندگی آینده کارکنان

### ۷-۳- نظریه های مربوط به نقش عامل سیاسی

#### • رهیافت حامی- پیرو

ساختار قدرت سیاسی گاهی خود به فساد دامن می‌زند. متنفذان رده بالا افراد وابسته به خود را وارد بخش عمومی می‌کنند تا پی‌گیر منافع ایشان باشند. بین این دو دسته وابستگی منافع حکم فرما است؛ شبکه‌ای از گروه‌های سودجو و وابستگان ایشان در بخش عمومی تشکیل می‌شود که اعمال فسادآلود را از بالا به پایین سازمان داده و هدایت می‌کنند. بر اساس رویکرد حامی- پیرو مبارزه با فساد وقتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که تأثیر عوامل تشدید کننده آن مانند سیاست‌زدگی بخش عمومی، عشیره‌ای بودن ساخت سیاسی، محدودیت مطبوعات و دستگاه قضایی جانبدار مهار شود (گرچی و عابدی، پیشین: ۱۷).

#### • رویکرد مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی

مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی تأثیر بسیار زیادی را در توسعه فساد اداری ایجاد می‌نماید. نظام‌ها با مقبولیت زیاد مردمی دارای سطح پایین فساد هستند. در نظام‌های با مشروعیت و حقانیت پایین، مردم اهمیتی به سلامت امور نمی‌دهند (حبیبی، ۱۳۷۵، ۶۸ و ۶۹).

<sup>1</sup> - Fontan.

## ۷-۳-۲- احصاء عوامل سیاسی مؤثر بر گرایش کارکنان به ارتکاب جرم ارتشاء

با توجه به نظریات بیان شده، مطالعات پرونده‌ای در این خصوص، مصاحبه با نخبگان نیروی انتظامی و استادان دانشکده‌های حقوق و علوم انتظامی، مهمترین عوامل سیاسی در ۴ به شرح زیر بیان شده‌اند: حمایت از حامیان سیاسی در سازمان ناجا- وجود فساد در نظام سیاسی و الگوگیری کارکنان از آن- عدم مقبولیت نظام سیاسی و ایجاد احساس عدم پایداری به اهداف نظام برای کارکنان- عدم مقبولیت نظام سیاسی و ایجاد احساس عدم پایداری به اهداف نظام برای کارکنان- جابه‌جا شدن دولت‌ها و دگرگونی‌های گسترده در سطح مدیران و کارکنان

### ۷-۴- نظریه‌های مربوط به نقش عوامل فرهنگی - اجتماعی

#### • رویکرد مذهبی

زیگموند فروید و دیوید ریزمن اشاره می‌کنند که انسان‌ها دارای یک نوع سیستم کنترل درونی هستند، که مانع انجام کارهای نامشروع می‌شوند. یکی از مهمترین این عوامل پایبندی‌های مذهبی است که اگر در یک جامعه وجود داشته باشد، مانع انحرافات می‌شود. تأثیر این سیستم کنترل درونی قوی‌تر از هر سیستم کنترل دیگر است. تضعیف پایبندی‌های مذهبی و اخلاق مبتنی بر مذهب عامل تسهیل کارهای نامشروع در یک جامعه است. تغییرات سریع اقتصادی و توسعه همواره با تغییر نظام هنجاری و ارزشی جامعه و در رأس آن کاهش پایبندی‌های مذهبی همراه بوده است (رفیع پور، ۱۳۸۸: ۳۲).

#### • نظریه از بین رفتن قبح فساد

فساد معمولاً از جانب اعضاء یک جامعه به عنوان یک عمل «قبیح» تعبیر می‌شود. قبیح در واقع نه فقط به عنوان یک کار بد یا خلاف، بلکه به عنوان یک کار زشت و ناپسند تلقی می‌شود که ناخشنودی افراد را بر می‌انگیزد. زیرا اگر یک شخص یک عمل خلاف را انجام داد، هنوز دلیل بر ناخشنودی دیگران نیست. ممکن است دیگران آن عمل را تحمل و یا حتی به عنوان زرنگی تحسین کنند (همان: ۴۶ و ۴۷).

#### • نظریه اولیه کنترل

«آلبرت رایس» (۱۹۵۱)، با کار مکتب شیکاگو برای ایجاد یک نظریه کنترل اجتماعی که اغلب کارهای بعدی را پیش-بینی می‌کرد، مفاهیم شخصیت و جامعه‌پذیری را در هم آمیخت. او سه عامل کنترل اجتماعی را تشریح می‌کند که بزهکاری ممکن است از یکی از آنها سرچشمه گرفته باشد: - نبود کنترل‌های درونی خاص که در طی دوران طفولیت توسعه یافته باشد. - شکسته شدن این کنترل‌های درونی. - نبود یا منازعه در قواعد اجتماعی که به وسیله گروه‌های مهم اجتماعی (خانواده، نزدیکان) فراهم آمده است (پی. ویلیامز و دی. مک‌شین، پیشین: ۲۰۷-۱۹۹).

## ۷-۴-۲- احصاء عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر گرایش کارکنان به ارتکاب جرم ارتشاء

با توجه به نظریات بیان شده، مطالعات پرونده‌ای در این خصوص، مصاحبه با نخبگان نیروی انتظامی و استادان دانشکده‌های حقوق و علوم انتظامی، مهمترین عوامل فرهنگی - اجتماعی در ۱۲ بند استخراج و به شرح زیر بیان شده‌اند: ضعف باورهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی در میان کارکنان - کاهش سطح مسئولیت‌پذیری کاری در جامعه - هنجار شدن کارهای نامشروع در جامعه (پرداخت و دریافت رشوه) - تغییر ارزش‌ها در سطح جامعه (مادی‌گرا شدن اشخاص) - گسترش و استمرار جرم ارتشاء در جامعه و سازمان - ضعف کنترل اجتماعی نسبت به دستگاه‌های دولتی - عدم آگاهی مردم از حقوق و تکالیف خود و سوء استفاده کارکنان از این موضوع - شیوع واسطه‌گری در جرم ارتشاء در جامعه و سازمان - بکارگیری آسان نوع رشوه - وجود اشخاص رشوه دهنده هوشمند - تبعیض میان کارکنان در فرصت دستیابی به اهداف موجود در جامعه - ضعف ایمان مذهبی و باورهای دینی کارکنان

## ۷-۵- نظریه های مربوط به نقش عوامل جغرافیایی

### • مکتب محیط اجتماعی

بانی این مکتب «لاکاسانی»، پزشک فرانسوی بود. او به طور ضمنی جبر پنداری گذشتگان خود به ویژه جبریت مکتب تحقیقی را رد می‌کند. چون او معتقد است که هر جامعه‌ای دارای مجرمینی است که شایسته آن است. او جامعه را تشبیه می‌کند به محل کشت و در این محل کشت، انسان بزهکار را به میکرب تشبیه می‌کند که اگر فرهنگ مساعد باشد آن میکرب رشد کرده و تبدیل به مجرم می‌شود.

متعاقب وی می‌توان از آقای «گارو فالو» سخن گفت. او بین آزادی مطلق از یک‌سو و جبریت مطلق از سوی دیگر یک حالت بینابین را می‌پذیرد. او معتقد است که برخی انسان‌ها در میان این دو حد عمل کرده و آزادی نسبی در ارتکاب جرم دارند لذا مسئولیت کیفری آنها نسبی است. اشخاص دیگری نظیر گابریل تارد و آنریکوفری نیز بیان می‌کنند جرم با محیط و پیرامون فرد مرتبط است. آنریکوفری به عنوان بنیانگذار جامعه‌شناسی جنایی با انتقاد از نظر استاد خود سزار لمبروزو نظریه مجرم مادرزاد را رد کرده و با تدوین کتاب خود به نام افق‌های نوین در حقوق و آیین دادرسی کیفری، به علل جامعه شناختی جرم پرداخته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۰۰۰-۱۹۹۹).

### • مکتب جغرافیای جنایی

«کتله» و «گری» بنیانگذاران مکتب جغرافیای جنایی هستند. این دو با استفاده از آمار جنایی فرانسه نوسانات بزهکاری را در فرانسه بیان کردند. هدف این دو این بود که ویژگی‌های جرائم و نرخ جرائم را بر حسب ویژگی‌های محیط جغرافیایی مطالعه کنند (بررسی تأثیر آب و هوا و شرایط جغرافیایی بر خلق و خوی ساکنین، جغرافیای جنایی، نقشه‌برداری جنایی، مکان شناسی جنایی). این دیدگاه قبل از کتله و گری در کتاب مقدمه ابن خلدون و برخی فصول کتاب روح‌القوانین منتسکیو منعکس شده بود. به هر حال کتله و گری با بنیانگذاری مکتب جغرافیای جنایی چند آورده داشته‌اند: الف - قانون حرارتی بزهکاری: در فصل گرم و کشورهای جنوبی معمولاً جرایم علیه اشخاص بیشتر است و در فصل سرد و کشورهای شمالی جرایم علیه اموال بیشتر است؛ پس نوع بزهکاری تابع شرایط فصول است. ب - قانون استمرار و تداوم جرم: در هر جامعه‌ای و کشوری سالیانه شاهد وقوع میزان معینی جرم هستیم. هر جامعه به اقتضای شرایط خود میزان معینی جرم را مستمراً تجربه

می‌کند. ارتکاب جرم دارای نظم سالیانه و مستمر است؛ اگر شرایط اجتماعی جامعه بهم بخورد، بی‌تردید در نظم آن بزهکاری هم خلل وارد می‌شود و جرایم را کاهش یا افزایش می‌دهد (همان: ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲). کی‌نیا، جلد دوم، ۱۳۸۶: ۱۳۶).

#### ۷-۵-۲- احصاء عوامل جغرافیایی مؤثر بر گرایش کارکنان به ارتکاب جرم ارتشاء

با توجه به نظریات بیان شده، مطالعات پرونده‌ای در این خصوص، مصاحبه با نخبگان نیروی انتظامی و استادان دانشکده-های حقوق و علوم انتظامی، مهمترین عوامل جغرافیایی در ۳ بند به شرح زیر بیان شده‌اند: وجود جوّ جرم ارتشاء در یک منطقه جغرافیایی- وضعیت مکانی خاص بعضی از مناطق جغرافیایی برای ارتکاب جرم ارتشاء- وضعیت زمانی خاص بعضی از مناطق جغرافیایی برای ارتکاب جرم ارتشاء

#### ۸-۶- نظریه‌های مربوط به نقش عوامل حقوقی

##### • نظریه بی‌هنجاری

بی‌هنجاری یا بی‌معیاری یا احساس خلاء هنجاری، مفهومی است که توسط «امیل دورکیم» در کتاب خودکشی ۱۸۹۷ مطرح شد. بی‌هنجاری اشاره به وضعیتی است که در آن، هیچگونه هنجار اجتماعی برای حفظ نظم وجود ندارد، یا جایی که هنجارها با یکدیگر در تضاد هستند. در صورتی که مقررات اجتماعی از بین برود، افراد به حال خود رها شده و مرتکب رفتارهای غیرمعارف و غیرمنضبط خواهند شد. بی‌هنجاری به یک وضعیت روانی اطلاق نمی‌شود، بلکه وصفی است در ارتباط با ساختار اجتماعی فروپاشیده، که در طول یک دوره بی‌نظمی که ویژگی کنترل و مهارکننده هنجارهای اجتماعی بر اعمال افراد از بین می‌رود و تمایلات و آرزوهای آنان بی‌حد و حصر می‌شود، وجود دارد (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، پیشین: ۵۰-۴۹).

#### ۷-۶-۱-۲- نظریه هزینه‌های اقتصادی

این نظریه هزینه‌های مادی و اقتصادی بزه‌دیدگان را ملاک قرار داده و جرائم اقتصادی را اعمال و رفتاری می‌داند که موجب شده بزه‌دیدگان چیزی را از دست داده و متحمل هزینه‌ای شوند. این بزه‌دیدگان نوعاً اشخاص، گروه‌ها، سازمان‌ها و اشخاص حقوقی هستند که بزه علیه آنها به طور مستقیم واقع می‌شود. در کنار این بزه‌دیدگان بسیاری نیز به صورت غیرمستقیم از جرم متضرر می‌شوند. از اینرو، جرائم اقتصادی دسته‌ای از اعمال هستند که کارایی و سودمندی بازرگانی و کسب و کار عادی و به‌هنجار را از حالت طبیعی خارج کرده و نتایج زیانبار این اقدامات، فراتر از شخصی که مستقیماً و بلاواسطه از جرم زیان می‌بیند، دیگران را متضرر می‌سازد. برای مثال حملات رایانه‌ای و یا رانت در معاملات بازار سهام (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۲).

##### • نظریه گایس<sup>۱</sup>

این نظریه بر این باور است که جرائم اقتصادی از جهات گوناگون با جرائم عادی تفاوت دارند از جمله اینکه احراز رابطه علیت میان جرم و خسارت در بسیاری موارد، پیچیده و دشوار است. بزه‌دیدگان نیز افراد معین و محدودی نیستند مضافاً بر این که اثر جرم، فوری نیست و به مرور زمان آشکار می‌شود. کشف این جرائم، بسیار دشوار است زیرا مخفیانه رخ می‌دهند و مجرمان نیز معمولاً اشخاص رده بالا هستند و همه این عوامل سبب می‌شود که مجرمان اقتصادی، جرأت ارتکاب جرم را

<sup>1</sup>- Geis.

پیدا کرده و متجری شوند. پول و قدرت مالی نیز به آنها جسارت می‌دهد چون فرهنگشان، آن است که هر مشکلی را می‌توان با پول حل کرد (زراعت، ۱۳۹۱: ۶۲).

#### • نظریه‌های مبتنی بر واکنش اجتماعی

این دسته از مکاتب از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد جرم‌شناسی را دستخوش تحول نمودند. در جرم‌شناسی واکنش اجتماعی فرضیه عبرت‌آموزی مجازات و اعمال پیشگیری اولیه و ثانویه با استفاده از ابزارهای قهرآمیز کیفری در فرایند اجرای سیکل جنایی عکس می‌شود. طرفداران این نظریه معتقدند: واکنش اجتماعی خود جرم‌زا است، به ویژه می‌توان ریشه برخی از تکرار جرم‌ها را در ماهیت قانون مجازات و نحوه اعمال واکنش اجتماعی جستجو کرد. ما در این فرض به دنبال علل شخصی، ذاتی، محیطی و روانی ارتکاب جرم نیستیم، بلکه برای پی بردن به علل جرم، آن نهادهایی را که در چرخه جنایی برای مهار ارتکاب جرم پیش‌بینی شده‌اند، زیر سؤال می‌بریم (نجفی‌ابرناد، ۱۳۷۳: ۱۹۱-۱۸۹).

#### ۷-۶-۲- احصاء عوامل حقوقی مؤثر بر گرایش کارکنان به ارتکاب جرم ارتشاء

با توجه به نظریات بیان شده، مطالعات پرونده‌ای در این خصوص، مصاحبه با نخبگان نیروی انتظامی و استادان دانشکده‌های حقوق و علوم انتظامی، مهمترین عوامل حقوقی در ۱۲ بند به شرح زیر بیان شده‌اند: عدم شفافیت در قوانین مربوط به حقوق و تکالیف مردم و سوء استفاده کارکنان از این وضعیت- ضعف در قوانین مربوط به جرم‌انگاری ارتشاء- بزه‌دیده بودن همه جامعه در جرم ارتشاء و عدم پیگیری آنها از خسارات وارده- عدم برقراری سریع رابطه علیت میان جرم ارتشاء و خسارات وارد شده به جامعه و سازمان- عدم توانایی جسمانی یا استطاعت روانی بزه‌دیدگان برای پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان- عدم اعتقاد بزه‌دیدگان به دستگاه قضایی و پلیسی برای پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان- ترس شاکی و بزه‌دیده از بد رفتاری‌های پلیس و دستگاه قضایی در صورت پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان- ملاحظات دوستی بزه‌دیدگان با آشنایان مرتشی برای پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان- بیم انتقام‌جویی از سوی مرتشی در صورت پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان توسط بزه‌دیدگان- دریافت رشوه از سوی حکام محاکم برای محاکمه مرتشی- عدم برقراری عدالت در محاکمه مرتشی- کند بودن اقدامات پلیسی و قضایی علیه جرم ارتشاء

#### ۷-۷- نظریه‌های مربوط به نقش عوامل سازمان

#### • رویکرد اخلاقی

اختلاف نظر افلاطون و ارسطو در فلسفه سیاسی این بار در قالبی نو بروز کرده و دو مشرب متفاوت را موجب شده است؛ موضوع مناقشه این بوده که کدام یک به صلاح جامعه است؟ فرمانروایی بهترین‌ها یا حکومت قوانین و نهادهای مناسب؟ رویکرد اول متأثر از افلاطون و پیرو گزینه اول است. بر این مبنا فساد وقتی اتفاق می‌افتد که کارکنان بخش عمومی نسبت به بیت‌المال شرط امانتداری را به جا نیاورند. پس باید در گزینش نیروی انسانی کمال دقت به عمل آید تا افرادی درستکار وارد دستگاه‌های اداری شوند و به این طریق زمینه بروز فساد اساساً منتفی گردد. این رویکرد بر فرد محوری استوار است و توجه کمتری به نهادسازی نشان می‌دهد. رویکرد اخلاقی به فساد در نظام‌های سیاسی عشیره‌ای و سنتی رواج دارد. در این نظام‌ها با فساد برخوردی حیثیتی می‌شود و همچنان که اعضای یک خانواده بر معایب هم سرپوش می‌گذارند تا آبروی کل خانواده حفظ شود. مسئولان اجرایی افرادی متعهد، صادق و درستکار توصیف می‌شوند و اخبار مربوط به فساد آنها شدیداً سانسور می‌شود (گرچی و عابدی، پیشین: ۱۵).

## • نظریه کارکردگرایی و نظام اداری

دیدگاه کارکردگرایی توضیح می‌دهد که نظام اداری به عنوان زیر مجموعه‌ای از نظام اجتماعی دارای یک کارکرد عمده است. این نظام همچنین دارای زیر نظام‌های متعددی چون نیروی انسانی و فضاهای فیزیکی است که این نظام‌ها نیز ارتباط پویا و متقابل با یکدیگر و با مجموعه نظام اداری و با محیط اجتماعی دارند و هر یک کارکردهای مشخصی را ایفا می‌کنند. رویکرد سیستم‌های باز نیز در حوزه کارکردگرایی قرار می‌گیرد. این رویکرد دارای سه فرض اساسی است: ۱- سازمان‌ها به صورت سیستم و از اجزای متقابلاً وابسته به یکدیگر تشکیل شده‌اند به گونه‌ای که هر جزء به بقا کل سیستم کمک می‌کند. ۲- هر سازمان برای بقا خود باید نیازهای معینی را برآورده سازد. احتمالاً مهمترین این نیازها، نیاز به دستیابی به هدف-های سازمان است. ۳- سازمان‌ها نظام‌هایی هدفمند هستند که رفتار و عمل می‌کنند. دنبال کردن هدف‌ها نشان‌دهنده این گونه مفهوم عمل است. «پارسونز» سازمان‌ها را به عنوان نظام اجتماعی که اساساً معطوف به دستیابی به یک هدف خاص است تعریف می‌کند. به عقیده «گولدتر» برای تعیین دقیق هدف‌های سازمان باید هدف‌های افراد مختلف یا هدف‌های نوعی اجزاء یا قسمت‌های مختلف یا قشرهای مختلف درون سازمان را تشخیص داد. در آن صورت مشخص می‌شود که این هدف‌ها ممکن است متفاوت باشند، لزوماً یکسان نیستند و در واقع ممکن است متناقض باشند (صبوری، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۸۱).

## • نظریه سبب فاسد

عنوان این نظریه به این مطلب اشاره دارد که اگر تنها تعداد کمی سبب در یک جعبه خراب باشد با برداشتن آنها بقیه سبب‌ها فاسد نخواهد شد. هواداران این دیدگاه معتقدند که فساد در میان پلیس در نتیجه ضعف وجدان فردی، کمبودهای شخصیتی و استخدام تصادفی و بدون گزینش صحیح و از میان افراد غیر آماده برای سازمان پلیس می‌باشد. در واقع این دیدگاه متضمن این مطلب است که سیستم غالباً سالم و بی‌نقص است و جرائم و فساد جنبه موردی و فردی دارند. در واقع این دیدگاه فساد سازمان یا بخشی از آن را نمی‌پذیرد؛ کمیسیون جرم پنسلوانیا در ۱۹۸۵ نظر خود را در مورد این نظریه این گونه بیان کرده که: «این نظریه مانند یک مانع در برابر تلاشی جدی و گسترده برای برخورد با جرائم و فساد سیستماتیک درون سازمان‌ها می‌باشد» (دهقان، پیشین: ۴۸).

## • نظریه فرصت

این نظریه ابتدا توسط «کوهن»، «کلوگل» و «لند» بیان شد و سپس توسط «فلسون» و «کلارک» تکمیل شده است. دیدگاه‌های مرتبط با کجروی‌های اجتماعی می‌تواند و باید به پیشگیری بزهکاری کمک نماید. دیدگاه «فرصت» در زمینه تأثیر شرایط و موقعیت‌ها در بزهکاری بر اصولی تأکید می‌کند که به دنیای واقعی نزدیک است. این دیدگاه شامل نگرش‌های فعالیت روزمره، انتخاب عقلانی و الگوی جرم است. نگرش‌های یاد شده بر پایه سخن قدیمی «فرصت دزد پرور است» بنیان نهاده شده است (فلسون و کلارک، ۱۳۸۸: ح). طرفداران نظریه فرصت معتقدند برای ارتکاب جرم علاوه بر وجود مرتکب و عدم مانع و سایر عناصر لازم به وجود یک هدف یا آماج مناسب یا همان فرصت نیاز است. بنابراین همه جرائم را فرصت‌مدار و منطبق با تئوری فرصت می‌دانند. بر این اساس راه‌های پیشگیری وضعی در مورد همه انواع جرائم و مجرمان قابلیت اعمال دارد (میرخلیلی، پیشین: ۵۶).

## • فساد روغنی برای توسعه

برخی از پژوهشگران در دهه ۱۹۷۰ این نظریه را بیان کرده‌اند؛ مضمون اصلی این استدلال این است که ارتشاء می‌تواند راهی مؤثر برای دور زدن مقررات و قوانین مزاحم و دست و پاگیر در یک نظام غیر اثربخش باشد. راهبرد ارتشاء، میانگین

ارزش هزینه‌های زمانی معطل شدن در صف را تقلیل داده و در مواردی که دریافت و پرداخت رشوه و انجام فعالیت فسادآلود رواج داشته، مجاز باشد کارمند را به تسریع در ارائه خدمات ترغیب می‌نماید. این گروه از نظریه پردازان مدعی هستند که فساد مالی ممکن است کارکرد اقتصادی یا روغن کاری چرخ‌های توسعه را تقویت کند و به کارآفرینان این امکان را بدهد که از دام روش‌ها و کانال‌های اداری وقت‌گیر بگریزند (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۰).

#### • نظریه جرائم یقه‌سفیدی

جرم یقه‌سفیدی جرمی است که از سوی یک شخص هنجارمند و دارای مقام اجتماعی در ارتباط با وظایف و اختیاراتش ارتکاب می‌یابد. این تعریف از سوی ادوین ساترلند، جرم‌شناس آمریکایی که نخستین بار این واژه را سکه زده، پیشنهاد شده است (نورزاد، ۱۳۸۹: ۱۱۱). این تعریف به سال ۱۹۴۰ باز می‌گردد که در مجله جامعه‌شناسی آمریکا به چاپ رسید. نظریه راجع به بزهکاری یقه‌سفیدی، در خطوط اصلی خود، به دو دسته تقسیم می‌شود: نظریه‌های فردمدار که عوامل این بزهکاری را در شخصیت فرد یقه‌سفید و محیط او جستجو می‌کنند و نظریه‌های قاعده‌مند سیستمیک که سیستم آزاد شرکت را عامل بزهکاری می‌دانند (گسن، ۱۳۸۹: ۱۲۰ و ۱۲۱).

#### ۷-۷-۲- احصاء عوامل سازمانی مؤثر بر گرایش کارکنان به ارتکاب جرم ارتشاء

با توجه به نظریات بیان شده، مطالعات پرونده‌ای در این خصوص، مصاحبه با نخبگان نیروی انتظامی و استادان دانشکده-های حقوق و علوم انتظامی، مهمترین عوامل سازمانی در ۴۱ بند استخراج گردید که به دلیل رعایت اختصار از توضیح آنها خودداری می‌کنیم و در جدول زیر بیان شده‌اند:

#### ۸- روش‌شناسی

تحقیق از نظر نوع کاربردی است؛ که به صورت توصیفی پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش نخبگان و کارشناسان نیروی انتظامی به تعداد ۸۶ نفر هستند که از فرماندهی انتظامی استان قم انتخاب شدند؛ برای محاسبه حجم نمونه با توجه به تعداد کارکنان ناجا در استان قم، از معادله نمونه‌گیری دوران استفاده شد.

ابزار گردآوری مراجعه به کتابخانه‌ها و مراکز علمی تحقیقاتی و دانشگاهی و از طریق توزیه پرسشنامه به همراه بررسی پرونده‌های مرتبط با موضوع به تعداد ۳۵ فقره بوده است.

برای طراحی پرسشنامه عوامل استخراج شده از ادبیات نظری و پرونده‌های مرتبط، با متخصصین و خبرگان نیروی انتظامی به بحث و تبادل نظر گذاشته شد و برخی از عوامل حذف و اصلاح گردید و در نهایت پرسشنامه‌ای با جلب نظر استادان محترم حقوقی و جامعه‌شناسی و کارشناسان محترم ناجا، با مقیاس اندازه‌گیری پنج گزینه‌ای لیکرت (از گرایش خیلی کم تا خیلی زیاد) برای رتبه‌بندی پاسخ‌ها طراحی گردید. این پرسشنامه شامل دو قسمت مربوط به جمعیت‌شناختی و سؤال‌های بسته تحقیق است؛ قسمت اول آن شامل ۴ سؤال و قسمت دوم از گویه ۱ تا ۱۰ مربوط به عوامل فردی، ۱۱ تا ۱۳ مربوط به عوامل اقتصادی، ۱۴ تا ۱۷ مربوط به عوامل سیاسی، ۱۸ تا ۲۹ مربوط به عوامل فرهنگی - اجتماعی، ۳۰ تا ۳۲ مربوط به عوامل جغرافیایی، ۳۳ تا ۴۴ مربوط به عوامل حقوقی و ۴۵ تا ۸۵ مربوط به عوامل سازمانی است.

در راستای تعیین روایی ابزار تحقیق ما از نظر تعداد زیادی از کارشناسان و استادان خیره نیروی انتظامی، حقوقی و جرم‌شناختی استفاده نموده‌ایم.

در این تحقیق تعیین اعتبار پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کربناخ صورت پذیرفته است. بر همین اساس واریانس نمره سؤال‌های پرسشنامه به وسیله ابزار SPSS محاسبه و مقدار آن تعیین می‌گردد و در این راستا به لحاظ تعیین میزان

اعتبار و پایایی، به صورت نمونه پرسشنامه بین تعداد ۱۰ نفر از جامعه آماری توزیع و پس از تکمیل، داده‌ها با استفاده از روش آزمون آلفا مورد محاسبه قرار گرفت که نتایج آن برابر جدول زیر می‌باشد:

جدول ۸- نتایج حاصله از محاسبه آلفای کرنباخ اولیه

موضوع	مقدار
آلفای کرنباخ	.۹۱
میانگین	۳.۶۲
واریانس	۰.۰۷
تعداد جامعه آماری	۱۰
تعداد گویه‌ها	۸۵

## ۹- توصیف ویژگی‌های فردی جامعه آماری

### ۹-۱- درجه خدمتی

مشخص گردید که از ۸۶ نفر پاسخ‌دهندگان تعداد ۱۶ نفر معادل ۱۸.۶۰ درصد دارای درجه سروانی، تعداد ۲۴ نفر معادل ۲۷.۹۱ درصد دارای درجه سرگردی، تعداد ۲۳ نفر معادل ۲۶.۷۴ درصد دارای درجه سرهنگ ۲ و تعداد ۲۳ نفر معادل ۲۶.۷۴ درصد دارای درجه سرهنگی می‌باشند.

### ۹-۲- سنوات خدمتی

تعداد ۸ نفر معادل ۹.۳۰ درصد دارای سنوات خدمتی ۱۰-۵ سال، تعداد ۱۴ نفر معادل ۱۶.۲۸ درصد دارای سنوات خدمتی ۱۱-۱۵ سال، تعداد ۳۵ نفر معادل ۴۰.۷۰ درصد دارای سنوات خدمتی ۱۶-۲۰ سال، تعداد ۱۹ نفر معادل ۲۲.۰۹ درصد دارای سنوات خدمتی ۲۱-۲۵ سال و تعداد ۱۰ نفر معادل ۱۱.۶۳ درصد دارای سنوات خدمتی ۲۶-۳۰ سال به بالا می‌باشند.

### ۹-۳- میزان تحصیلات

مشخص شد که تعداد ۲ نفر معادل ۲.۳۳ درصد دارای مدرک دیپلم، تعداد ۱۴ نفر معادل ۱۶.۲۸ درصد دارای مدرک کاردانی، تعداد ۵۵ نفر معادل ۶۳.۹۵ درصد دارای مدرک کارشناسی و تعداد ۱۵ نفر معادل ۱۷.۴۴ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌باشند.

یافته‌های ویژگی‌های فردی جامعه آماری بیانگر این است که بیش از ۷۴ درصد از پاسخگویان دارای سنوات خدمتی بالای ۱۶ سال سابقه خدمت در ناجا و بیش از ۸۱ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌باشند، لذا این درصدهای بالا نشان از تجربه و مهارت کافی پاسخگویان و به تبع آن موجب اعتماد بخشی به یافته‌های پژوهش در تحقیقات میدانی است.

### ۱۰- یافته‌های استنباطی

از آنجا که از مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای در آزمون مؤلفه‌ها استفاده شده است و میانگین آن‌ها عدد ۲.۵ می‌باشد، در همه آزمون‌ها در test value این میانگین ثبت می‌گردد:

$$H_0: \leq \mu 2.5 . H_1: \geq \mu 2.5$$



## ۱-۱۰- بررسی فرضیه اول تحقیق

«میان عوامل مؤثر فردی و گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد».

برای تجزیه و تحلیل، با استخراج عوامل فردی به تعداد ۱۰ گویه که اعتبارشان به نظر پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفته است، با کمک آزمون تی تست تک نمونه‌ای دو نوع فرضیه مطرح می‌گردد:

(H<sub>0</sub>) بین عوامل فردی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود ندارد.

(H<sub>1</sub>) بین عوامل فردی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۹- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل فردی

نتیجه	میانگین	T مقدار	گویه
H <sub>1</sub> : $\mu = 3.41 \geq 2.5$	۳.۴۱	۷۷.۰۳	مجموع

با توجه به اینکه نتایج سطح معنی‌دار تمامی عوامل فردی کوچکتر از ۰.۰۵ است (Sig ≤ ۰.۰۵) و مقدار میانگین بیشتر از مقدار محاسبه شده t با (μ = ۲.۵) می‌باشد، لذا این اختلاف معنادار بوده و فرض صفر رد می‌گردد و با اطمینان ۹۵ درصد به بالا می‌توان بیان کرد که تمامی عوامل فردی ۱۰ گانه، بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء مؤثر هستند.

جدول ۱۰- آماره خی دو، عوامل مؤثر فردی

تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌دار
۸۶	۳۶۸.۴۶	۹	۰.۰۰

نتایج آزمون خی دو در جدول ۱۰ با مقدار آماره ۳۶۸.۴۶ و سطح معنی‌دار کمتر از ۰.۰۱ (Sig ≤ ۰.۰۱) بیانگر این است که با قابلیت اطمینان ۹۹٪ می‌توان نتیجه گرفت که عوامل فردی بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر و دارای اهمیت و اولویت متفاوت و معنی‌داری هستند.

جدول ۱۱- اولویت‌بندی عوامل مؤثر فردی

اولویت	میانگین رتبه‌ای	عوامل	گویه
اول	۷.۹۷	ترجیح منافع فردی بر منافع سازمانی	۷
دوم	۷.۴۴	از بین رفتن انگیزه خدمتی کارکنان	۸
سوم	۶.۸۴	وجود احساس محرومیت نسبی در جامعه و در درون کارکنان	۱۰
چهارم	۶.۲۲	محاسبه ناقص کارکنان از عواقب جرم ارتشاء	۵
پنجم	۵.۱۲	ریسک‌پذیر بودن کارکنان برای ارتکاب جرم ارتشاء	۶
پنجم	۵.۱۲	منفعت طلب بودن کارکنان در اثر شناخت جرم ارتشاء	۱
ششم	۴.۴۸	استفاده کارکنان از فنون خنثی‌سازی جرم برای فرار از مرثشی شناخته شدن	۴
هفتم	۴.۳۶	بالا بودن ضریب هوشی کارکنان برای ارتکاب جرم ارتشاء و توان سازگاری با جامعه برای پنهان سازی جرم ارتکابی	۹
هشتم	۴.۲۰	قوی بودن قدرت یادگیری رفتار مجرمانه کارکنان جهت یادگیری جرم ارتشاء	۲
نهم	۳.۲۶	تقلید جرم ارتشاء	۳

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۱۱ بیانگر این است که در بین عوامل مؤثر فردی «ترجیح منافع فردی بر منافع سازمانی» در اولویت اول، «از بین رفتن انگیزه خدمتی کارکنان» در اولویت دوم و «وجود احساس محرومیت نسبی در جامعه و در درون کارکنان» در اولویت سوم قرار گرفته است.

#### ۱۰-۲- بررسی فرضیه دوم تحقیق

«میان عوامل مؤثر اقتصادی و گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد».

برای تجزیه و تحلیل، با استخراج عوامل اقتصادی به تعداد ۳ گویه که اعتبارشان به نظر پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفته است، با کمک آزمون تی تست تک نمونه‌ای دو نوع فرضیه مطرح می‌گردد:

(H<sub>0</sub>) بین عوامل اقتصادی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود ندارد.

(H<sub>1</sub>) بین عوامل اقتصادی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل اقتصادی

گویه	T مقدار	میانگین	نتیجه
مجموع ۴۷.۳۷		۴.۱۶	H <sub>1</sub> : μ = ۴.۱۶ ≥ ۲.۵

با توجه به اینکه نتایج سطح معنی‌دار تمامی عوامل اقتصادی کوچکتر از ۰.۰۵ است (sig ≤ ۰.۰۵) و مقدار میانگین بیشتر از مقدار محاسبه شده t با (μ = ۲.۵) می‌باشد، لذا این اختلاف معنادار بوده و فرض صفر رد می‌گردد و با اطمینان ۹۵ درصد به بالا می‌توان بیان کرد که تمامی عوامل اقتصادی ۳ گانه، بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر هستند.

جدول ۱۳- آماره خی دو، عوامل مؤثر اقتصادی

تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌دار
۸۶	۲۴.۸۲	۲	۰.۰۰۰

نتایج آزمون خی دو در جدول ۱۳ با مقدار آماره ۲۴.۸۲ و سطح معنی‌دار کمتر از ۰.۰۱ (sig ≤ ۰.۰۱) بیانگر این است که با قابلیت اطمینان ۹۹٪ می‌توان نتیجه گرفت که عوامل اقتصادی بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر و دارای اهمیت و اولویت متفاوت و معنی‌داری هستند.

جدول ۱۴- اولویت‌بندی عوامل مؤثر اقتصادی

گویه	عوامل	میانگین رتبه‌ای	اولویت
۱۱	شرایط نامساعد اقتصاد حاکم بر جامعه	۲.۱۰	اول
۱۲	توزیع نامناسب درآمد میان کارکنان دولت	۲.۰۹	دوم
۱۳	فقدان تأمین زندگی آینده کارکنان	۱.۸۱	سوم

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۱۴ بیانگر این است که در بین عوامل مؤثر اقتصادی «شرایط نامساعد اقتصاد حاکم بر جامعه» در اولویت اول، «توزیع نامناسب درآمد میان کارکنان دولت» در اولویت دوم و «فقدان تأمین زندگی آینده کارکنان» در اولویت سوم قرار گرفته است.

### ۱۰-۳- بررسی فرضیه سوم تحقیق

«میان عوامل مؤثر سیاسی و گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد».

برای تجزیه و تحلیل، با استخراج عوامل سیاسی به تعداد ۴ گویه که اعتبارشان به نظر پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفته است، با کمک آزمون تی تست تک نمونه‌ای دو نوع فرضیه مطرح می‌گردد:

(H<sub>0</sub>) بین عوامل سیاسی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود ندارد.

(H<sub>1</sub>) بین عوامل سیاسی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۵- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل سیاسی

نتیجه	میانگین	T مقدار	گویه
H <sub>1</sub> : $\mu = 2.81 \geq 2.5$	۲.۸۱	۹	مجموع

با توجه به اینکه نتایج سطح معنی‌دار تمامی عوامل سیاسی کوچکتر از ۰.۰۵ است (Sig ≤ ۰.۰۵) و مقدار میانگین بیشتر از مقدار محاسبه شده t با (μ = ۲.۵) می‌باشد، لذا این اختلاف معنادار بوده و فرض صفر رد می‌گردد و با اطمینان ۹۵ درصد به بالا می‌توان بیان کرد که تمامی عوامل سیاسی ۴ گانه، بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر هستند.

جدول ۱۶- آماره خی دو، عوامل مؤثر سیاسی

تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌دار
۸۶	۹۸.۲۹	۳	۰.۰۰۰

نتایج آزمون خی دو در جدول ۱۶ با مقدار آماره ۹۸.۲۹ و سطح معنی‌دار کمتر از ۰.۰۱ (Sig ≤ ۰.۰۱) بیانگر این است که با قابلیت اطمینان ۹۹٪ می‌توان نتیجه گرفت که عوامل سیاسی بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر و دارای اهمیت و اولویت متفاوت و معنی‌داری هستند.

جدول ۱۷- اولویت‌بندی عوامل مؤثر سیاسی

گویه	عوامل	میانگین رتبه‌ای	اولویت
۱۵	وجود فساد در نظام سیاسی و الگوگیری کارکنان از آن	۳.۱۲	اول
۱۴	حمایت از حامیان سیاسی در سازمان ناجا	۲.۶۱	دوم
۱۶	عدم مقبولیت نظام سیاسی و ایجاد احساس عدم پایداری به اهداف نظام برای کارکنان	۲.۲۸	سوم
۱۷	جابه‌جا شدن دولت‌ها و دگرگونی‌های گسترده در سطح مدیران و کارکنان	۱.۹۸	چهارم

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۱۷ بیانگر این است که در بین عوامل مؤثر سیاسی «وجود فساد در نظام سیاسی و الگوگیری کارکنان از آن» در اولویت اول، «حمایت از حامیان سیاسی در سازمان ناجا» در اولویت دوم و «عدم مقبولیت نظام سیاسی و ایجاد احساس عدم پایداری به اهداف نظام برای کارکنان» در اولویت سوم قرار گرفته است.

#### ۱۰-۴- بررسی فرضیه چهارم تحقیق

«میان عوامل مؤثر فرهنگی - اجتماعی و گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد».

برای تجزیه و تحلیل، با استخراج عوامل فرهنگی - اجتماعی به تعداد ۱۲ گویه که اعتبارشان به نظر پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفته است، با کمک آزمون تی تست تک نمونه‌ای دو نوع فرضیه مطرح می‌گردد:

(H<sub>0</sub>) بین عوامل فرهنگی - اجتماعی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود ندارد.

(H<sub>1</sub>) بین عوامل فرهنگی - اجتماعی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۸- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل فرهنگی - اجتماعی

نتیجه	میانگین	T مقدار	گویه
H <sub>1</sub> : $\mu \geq 2.5$	۳.۵۶		مجموع ۱۱۰.۰۱

با توجه به اینکه نتایج سطح معنی‌دار تمامی عوامل فرهنگی - اجتماعی کوچکتر از ۰.۰۵ است (Sig < ۰.۰۵) و مقدار میانگین بیشتر از مقدار محاسبه شده t با (μ = ۲.۵) می‌باشد، لذا این اختلاف معنادار بوده و فرض صفر رد می‌گردد و با اطمینان ۹۵ درصد به بالا می‌توان بیان کرد که تمامی عوامل فرهنگی - اجتماعی ۱۲ گانه، بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر هستند.

جدول ۱۹- آماره خی دو، عوامل مؤثر فرهنگی - اجتماعی

تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌دار
۸۶	۱۹۷.۷۸	۱۱	۰.۰۰

نتایج آزمون خی دو در جدول ۱۹ با مقدار آماره ۱۹۷.۷۸ و سطح معنی‌دار کمتر از ۰.۰۱ (Sig < ۰.۰۱) بیانگر این است که با قابلیت اطمینان ۹۹٪ می‌توان نتیجه گرفت که عوامل فرهنگی - اجتماعی بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر و دارای اهمیت و اولویت متفاوت و معنی‌داری هستند.

جدول ۲۰- اولویت‌بندی عوامل مؤثر فرهنگی - اجتماعی

گویه	عوامل	میانگین رتبه‌ای	اولویت
۲۱	تغییر ارزش‌ها در سطح جامعه (مادی‌گرا شدن اشخاص)	۸.۰۵	اول
۱۸	ضعف باورهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی در میان کارکنان	۷.۷۷	دوم
۱۹	کاهش سطح مسئولیت‌پذیری کاری در جامعه	۷.۴۲	سوم
۲۷	وجود اشخاص رشوه دهنده هوشمند	۷.۰۷	چهارم
۲۸	تبعیض میان کارکنان در فرصت دستیابی به اهداف موجود	۶.۷۲	پنجم

در جامعه			
۲۹	ضعف ایمان مذهبی و باورهای دینی کارکنان	۶.۷۲	پنجم
۲۶	بکارگری آسان نوع رشوه	۶.۲۳	ششم
۲۰	هنجار شدن کارهای نامشروع در جامعه (پرداخت و دریافت رشوه)	۶.۱۶	هفتم
۲۴	عدم آگاهی مردم از حقوق و تکالیف خود و سوء استفاده کارکنان از این موضوع	۶.۰۲	هشتم
۲۳	ضعف کنترل اجتماعی نسبت به دستگاه‌های دولتی	۵.۵۳	نهم
۲۲	گسترش و استمرار جرم ارتشاء در جامعه و سازمان	۵.۲۶	دهم
۲۵	شیوع واسطه‌گری در جرم ارتشاء در جامعه و سازمان	۵.۰۵	یازدهم

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۲۰ بیانگر این است که در بین عوامل مؤثر فرهنگی - اجتماعی «تغییر ارزش‌ها در سطح جامعه (مادی‌گرا شدن اشخاص)» در اولویت اول، «ضعف باورهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی در میان کارکنان» در اولویت دوم و «کاهش سطح مسئولیت‌پذیری کاری در جامعه» در اولویت سوم قرار گرفته است.

#### ۱۰-۵- بررسی فرضیه پنجم

«میان عوامل مؤثر جغرافیایی و گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد».

برای تجزیه و تحلیل، با استخراج عوامل جغرافیایی به تعداد ۳ گویه که اعتبارشان به نظر پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفته است، با کمک آزمون تی تست تک نمونه‌ای دو نوع فرضیه مطرح می‌گردد:

(H<sub>0</sub>) بین عوامل جغرافیایی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود ندارد.

(H<sub>1</sub>) بین عوامل جغرافیایی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲۱- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل جغرافیایی

گویه	T مقدار	میانگین	نتیجه
مجموع ۳۳.۷۴		۳.۷۱	H <sub>1</sub> : $\mu = 3.71 \geq 2.5$

با توجه به اینکه نتایج سطح معنی‌دار تمامی عوامل جغرافیایی کوچکتر از ۰.۰۵ است ( $\text{sig} \leq 0.05$ ) و مقدار میانگین بیشتر از مقدار محاسبه شده t با ( $\mu = 2.5$ ) می‌باشد، لذا این اختلاف معنادار بوده و فرض صفر رد می‌گردد و با اطمینان ۹۵ درصد به بالا می‌توان بیان کرد که تمامی عوامل جغرافیایی ۳ گانه، بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر هستند.

جدول ۲۲- آماره خی دو، عوامل مؤثر جغرافیایی

تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌دار
۸۶	۲۲.۴۵	۲	۰.۰۰

نتایج آزمون خی دو در جدول ۲۲ با مقدار آماره ۲۲.۴۵ و سطح معنی دار کمتر از ۰.۰۱ ( $\text{sig} \leq 0.01$ ) بیانگر این است که با قابلیت اطمینان ۹۹٪ می توان نتیجه گرفت که عوامل جغرافیایی بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر و دارای اهمیت و اولویت متفاوت و معنی داری هستند.

جدول ۲۳- اولویت بندی عوامل مؤثر جغرافیایی

اولویت	میانگین رتبه‌ای	عوامل	گویه
اول	۲.۱۲	وضعیت زمانی خاص بعضی از مناطق جغرافیایی برای ارتکاب جرم ارتشاء	۳۲
دوم	۲.۰۶	وضعیت مکانی خاص بعضی از مناطق جغرافیایی برای ارتکاب جرم ارتشاء	۳۱
سوم	۱.۸۲	وجود جو جرم ارتشاء در یک منطقه جغرافیایی	۳۰

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۲۳ بیانگر این است که در بین عوامل مؤثر جغرافیایی «وضعیت زمانی خاص بعضی از مناطق جغرافیایی برای ارتکاب جرم ارتشاء» در اولویت اول، «وضعیت مکانی خاص بعضی از مناطق جغرافیایی برای ارتکاب جرم ارتشاء» در اولویت دوم و «وجود جو جرم ارتشاء در یک منطقه جغرافیایی» در اولویت سوم قرار گرفته است.

#### ۱۰-۶- بررسی فرضیه ششم تحقیق

«میان عوامل مؤثر حقوقی و گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد.»

برای تجزیه و تحلیل، با استخراج عوامل حقوقی به تعداد ۱۲ گویه که اعتبارشان به نظر پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفته است، با کمک آزمون تی تست تک نمونه‌ای دو نوع فرضیه مطرح می‌گردد:

( $H_0$ ) بین عوامل حقوقی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود ندارد.

( $H_1$ ) بین عوامل حقوقی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲۴- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل حقوقی

گویه	T مقدار	میانگین	نتیجه
مجموع	۶۰.۹۷	۳.۱۳	$H_1 : \mu = 3.13 \geq 2.5$

با توجه به اینکه نتایج سطح معنی دار تمامی عوامل حقوقی کوچکتر از ۰.۰۵ است ( $\text{sig} \leq 0.05$ ) و مقدار میانگین بیشتر از مقدار محاسبه شده  $t$  با ( $\mu = 2.5$ ) می‌باشد، لذا این اختلاف معنادار بوده و فرض صفر رد می‌گردد و با اطمینان ۹۵ درصد به بالا می‌توان بیان کرد که تمامی عوامل حقوقی ۱۲ گانه، بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر هستند.

جدول ۲۵- آماره خی دو، عوامل مؤثر حقوقی

تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی دار
۸۶	۲۴۷.۸۱	۱۱	۰.۰۰

نتایج آزمون خی دو در جدول ۲۵ با مقدار آماره ۲۴۷.۸۱ و سطح معنی دار کمتر از ۰.۰۱ ( $\text{sig} \leq 0.01$ ) بیانگر این است که با قابلیت اطمینان ۹۹٪ می توان نتیجه گرفت که عوامل حقوقی بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر و دارای اهمیت و اولویت متفاوت و معنی داری هستند.

جدول ۲۶- اولویت‌بندی عوامل مؤثر حقوقی

اولویت	میانگین رتبه‌ای	عوامل	گویه
اول	۷.۹۷	عدم اعتقاد بزه‌دیدگان به دستگاه قضایی و پلیسی برای پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان	۳۸
دوم	۷.۹۱	عدم شفافیت در قوانین مربوط به حقوق و تکالیف مردم و سوء استفاده کارکنان از این وضعیت	۳۳
سوم	۷.۳۵	عدم برقراری سریع رابطه علیت میان جرم ارتشاء و خسارات وارد شده به جامعه و سازمان	۳۶
چهارم	۷.۰۷	ضعف در قوانین مربوط به جرم‌انگاری ارتشاء (مثلا عدم شمول قوانین در مورد همه اشکال پرداخت	۳۴
پنجم	۷.۰۰	ترس شاکي و بزه‌دیده از بد رفتاری‌های پلیس و دستگاه قضایی در صورت پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان	۳۹
ششم	۶.۸۶	بیم انتقام‌جویی از سوی مرتشی در صورت پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان توسط بزه‌دیدگان	۴۱
هفتم	۶.۳۷	بزه‌دیده (زبان دیده) بودن همه جامعه در جرم ارتشاء و عدم پیگیری آنها از خسارات وارده	۳۵
هفتم	۶.۳۷	ملاحظات دوستی بزه‌دیدگان با آشنایان مرتشی برای پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان	۴۰
هشتم	۶.۳۰	عدم توانایی جسمانی یا استطاعت روانی بزه‌دیدگان برای پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان	۳۷
نهم	۵.۴۰	کند بودن اقدامات پلیسی و قضایی علیه جرم ارتشاء	۴۴
دهم	۴.۹۱	عدم برقراری عدالت در محاکمه مرتشی	۴۳
یازدهم	۴.۵۰	دریافت رشوه از سوی حکام محاکم برای محاکمه مرتشی	۴۲

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۲۶ بیانگر این است که در بین عوامل مؤثر حقوقی «عدم اعتقاد بزه‌دیدگان به دستگاه قضایی و پلیسی برای پیگیری یا گزارش جرم ارتشاء کارکنان» در اولویت اول، «عدم شفافیت در قوانین مربوط به حقوق و تکالیف مردم و سوء استفاده کارکنان از این وضعیت» در اولویت دوم و «عدم برقراری سریع رابطه علیت میان جرم ارتشاء و خسارات وارد شده به جامعه و سازمان» در اولویت سوم قرار گرفته است.

۱۰-۷- بررسی فرضیه هفتم تحقیق

«میان عوامل مؤثر سازمانی و گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد».

برای تجزیه و تحلیل، با استخراج عوامل سازمانی به تعداد ۴۱ گوینه که اعتبارشان به نظر پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفته است، با کمک آزمون تی تست تک نمونه‌ای دو نوع فرضیه مطرح می‌گردد:

(H<sub>0</sub>) بین عوامل سازمانی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری

وجود ندارد.

(H<sub>1</sub>) بین عوامل سازمانی شناسایی شده و عوامل مؤثر بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری

وجود دارد.

جدول ۲۷- نتایج تجزیه و تحلیل عوامل سازمانی

گویه	T مقدار	میانگین	نتیجه
مجموع ۳۸۱.۸۷		۳.۵۷	H <sub>1</sub> : μ = ۳.۵۷ ≥ ۲.۵



با توجه به اینکه نتایج سطح معنی دار تمامی عوامل سازمانی کوچکتر از ۰.۰۵ است ( $\text{Sig} \leq 0.05$ ) و مقدار میانگین بیشتر از مقدار محاسبه شده  $t$  با ( $\mu = 2.5$ ) می باشد، لذا این اختلاف معنادار بوده و فرض صفر رد می گردد و با اطمینان ۹۵ درصد به بالا می توان بیان کرد که تمامی عوامل سازمانی ۴۱ گانه، بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر هستند.

جدول ۲۸- آماره خی دو، عوامل مؤثر سازمانی

تعداد	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معنی دار
۸۶	۱۵۶۰.۳۲	۴۰	۰.۰۰

نتایج آزمون خی دو در جدول ۲۸ با مقدار آماره ۱۵۶۰.۳۲ و سطح معنی دار کمتر از ۰.۰۱ ( $\text{Sig} \leq 0.01$ ) بیانگر این است که با قابلیت اطمینان ۹۹٪ می توان نتیجه گرفت که عوامل سازمانی بر گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر و دارای اهمیت و اولویت متفاوت و معنی داری هستند.

جدول ۲۹- اولویت بندی عوامل مؤثر سازمانی

اولویت	میانگین - رتبه ای	عوامل	گویه
اول	۳۴.۰۱	کمبود منازل سازمانی خوب و امکانات رفاهی برای کارکنان	۸۳
دوم	۳۰.۹۲	عدم توجه دقیق و همه جانبه مدیران به مشکلات اقتصادی کارکنان	۵۰
سوم	۳۱.۲۶	وجود تبعیض و بی عدالتی در سازمان و نتیجتاً ایجاد احساس بی تفاوتی نسبت به اهداف سازمان برای کارکنان	۷۸
چهارم	۲۹.۱۵	کمبود نیروی متخصص و متعهد برای بکارگیری در نقاط آسیب پذیر (جرم زای ارتشاء)	۷۷
پنجم	۲۸.۲۷	ضعیف بودن سیستم تشویق کارکنان	۶۰
ششم	۲۶.۴۳	انتصاب فرماندهان نالایق در پست های کلیدی سازمان	۴۷
هفتم	۲۶.۱۹	موقعیت شغلی کارکنان و سوء استفاده آنها از این موقعیت	۷۹
هشتم	۲۵.۱۰	الگو قرار ندادن احکام اخلاقی و مذهبی در روابط و ضوابط سازمانی توسط کارکنان	۶۴
نهم	۲۴.۸۱	عدم انتخاب و گزینش صحیح نیروهای بکار گرفته شده در نقاط آسیب پذیر	۴۵
دهم	۲۴.۶۶	تبعید کارکنان متخلف به مناطق جرم زای ارتشاء	۵۲
یازدهم	۲۴.۲۰	عدم وجود سیستم اعلام دارایی برای حسابرسی به دارایی کارکنان در ابتدا و انتهای سمت	۸۰
دوازدهم	۲۳.۴۷	عدم وجود برنامه جامع مبارزه با جرم ارتشاء در سازمان	۸۱
سیزدهم	۲۳.۴۵	ایجاد حس از بین رفتن شأن و منزلت برای مستخدمان در اثر عدم رعایت شایسته سالاری در استخدام کارکنان جدید	۵۹
چهاردهم	۲۳.۲۴	ضعف سازمان در اقدامات پیشگیرانه از ارتکاب جرم ارتشاء	۷۳
پانزدهم	۲۳.۰۰	عدم وجود ساختار مناسب و صحیح سیستم ارزشیابی عملکرد کارکنان توسط سازمان	۷۲
شانزدهم	۲۲.۸۱	مراجعه (تماس) بیش از حد حضوری مردم در سازمان	۶۲
هفدهم	۲۲.۷۷	کم بودن میزان آگاهی رؤسای کلانتری ها و پاسگاه ها از نقاط جرم زای ارتشاء	۴۹
هجدهم	۲۲.۷۴	عدم چرخش به موقع کارکنان شاغل در نقاط آسیب پذیر (جرم زای ارتشاء)	۵۵
نوزدهم	۲۲.۵۴	کم بودن میزان تسلط رؤسای کلانتری ها و پاسگاه ها بر کنترل بسترهای جرم ارتشاء	۴۸
بیستم	۲۲.۳۳	بی ثباتی و نبود امنیت شغلی برای کارکنان	۵۸
بیست و یکم	۲۲.۲۹	عدم آشنایی کامل کارکنان با مجازات شدید جرم ارتشاء	۸۲
بیست و دوم	۲۰.۶۹	اعتماد بیش از حد و نابه جای مدیران به کارکنان	۴۶



بیست و سوم	۱۹.۸۰	ضعف فرهنگ سازمانی	۷۶
بیست و چهارم	۱۹.۵۶	ضعف مسئولیت‌پذیری کارکنان در سازمان	۶۸
بیست و پنجم	۱۹.۲۸	ضعف در نظارت عمومی میان خود کارکنان	۶۵
بیست و ششم	۱۹.۰۶	ضعف سازمان در نظارت و بازرسی	۷۵
بیست و هفتم	۱۸.۶۰	عدم حمایت از کارکنان افشاء کننده جرم ارتشاء ارتكابی همکاران	۶۹
بیست و هشتم	۱۸.۸۱	دفاع بی‌جای فرماندهان از کارکنان مرتکب جرم ارتشاء	۵۳
بیست و نهم	۱۸.۱۲	اعطای اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری بیش از اندازه به کارکنان و سوء استفاده آنها از این موقعیت	۸۵
سی‌ام	۱۷.۶۸	ضعیف بودن سیستم تنبیه کارکنان	۶۱
سی و یکم	۱۷.۶۷	ضعیف بودن تخصص مسئولین کشف جرم ارتشاء ارتكابی کارکنان	۸۴
سی و دوم	۱۷.۱۷	انحصاری شدن تصمیمات در اختیار کارکنان و سوء استفاده کردن آنها از این وضعیت	۵۷
سی و سوم	۱۶.۵۱	ضعف پاسخگویی کارکنان در برابر مسئولین	۶۳
سی و چهارم	۱۶.۳۷	تخلف آشکار مقام بالاتر در منظر مقام پایین‌تر	۵۱
سی و پنجم	۱۶.۲۷	ضعف در اطلاع‌رسانی و روابط عمومی سازمان در مورد اقدامات و حقوق و تکالیف ارباب رجوع و سوء استفاده کارکنان از این موضوع	۷۱
سی و ششم	۱۶.۲۶	فقدان روش‌های دقیق کاری سازمانی و نتیجتاً وجود روابط ناسالم در برخورد ارباب رجوع و کارکنان و سوء استفاده کارکنان از این وضعیت	۷۴
سی و هفتم	۱۵.۱۳	تسامح (چشم‌پوشی) مدیران در جرم ارتشاء ارتكاب یافته توسط کارکنان	۵۶
سی و هشتم	۱۴.۶۴	وجود فرهنگ قانون‌گریزی رایج در سازمان	۷۰
سی و نهم	۱۱.۷۶	عدم گزارش جرم ارتشاء کارکنان به مراجع قضایی توسط مدیران	۵۴
چهل‌ام	۸.۳۱	تلقین منفی بودن به مستخدم توسط همکاران	۶۷
چهل و یکم	۵.۶۶	وجود شبکه‌های ارتكاب جرم ارتشاء در سازمان	۶۶

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۲۹ بیانگر این است که در بین عوامل مؤثر سازمانی «کمبود منازل سازمانی خوب و امکانات رفاهی برای کارکنان» در اولویت اول، «عدم توجه دقیق و همه‌جانبه مدیران به مشکلات اقتصادی کارکنان» در اولویت دوم و «وجود تبعیض و بی‌عدالتی در سازمان و نتیجتاً ایجاد احساس بی‌تفاوتی نسبت به اهداف سازمان برای کارکنان» در اولویت سوم قرار گرفته است.

#### ۱۱- نتیجه‌گیری

جرم ارتشاء به عنوان شایع‌ترین جرم اقتصادی و اداری مانند یک سرطان اجتماعی ریشه‌ی عدالت و نظم را خشک می‌کند. این جرم تاریخچه‌ای بسیار قطور به خود اختصاص داده است به گونه‌ای که در طی سالیان متوالی و حکومت‌های گوناگون،

یکی از جرائم شایع به شمار رفته است. با توجه به اینکه در آزمون تی تست تک نمونه‌ای، نتایج سطح معنی‌دار تمامی عوامل پنهان شناسایی شده کوچکتر از ۰.۰۵ است ( $\text{Sig} \leq 0.05$ ) و مقدار میانگین همه آنها بیشتر از مقدار محاسبه شده  $t$  با  $\mu = 2.5$  می‌باشد، لذا این اختلاف معنادار بوده و فرض صفر (عدم وجود رابطه معنادار) رد می‌گردد و با اطمینان ۹۵ درصد به بالا می‌توان بیان کرد که تمامی متغیرهای مستقل شناسایی شده در گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء مؤثر هستند. همچنین نتایج آزمون خی دو و اثبات سطح معنی‌دار کمتر از ۰.۱ ( $\text{Sig} \leq 0.1$ ) برای همه عوامل بیانگر این است که با قابلیت اطمینان ۹۹٪ می‌توان نتیجه گرفت که تمامی عوامل شناسایی شده در گرایش کارکنان ناجا به ارتکاب جرم ارتشاء، مؤثر و دارای اهمیت و اولویت متفاوت و معنی‌داری هستند؛ بر این اساس ترتیب اولویت اثربخشی این عوامل نیز بر اساس میانگین رتبه‌ای فریدمن استخراج گردید. بنابراین تمامی فرضیه‌های تحقیق اثبات شدند و بیانگر این هستند که میان عوامل پنهان فردی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، جغرافیایی، حقوقی و سازمانی و گرایش به ارتکاب جرم ارتشاء رابطه معناداری وجود دارد.

## ۱۲- پیشنهادها

**الف-** با توجه به اینکه دو عامل «ترجیح منافع فردی بر منافع سازمانی» و «از بین رفتن انگیزه خدمتی کارکنان»، به عنوان اولویت اول و دوم عوامل فردی تأثیرگذار در گرایش کارکنان به ارتکاب جرم ارتشاء می‌باشند؛ لذا لازم است که سازمان ناجا برای حذف یا محدود سازی این دو عامل اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- اجرای بهتر دوره‌های تقویت باورهای دینی در کارکنان که به عنوان نمونه از آنجائیکه در سازمان ناجا برای آگاه سازی کارکنان با امور دینی، دوره‌های بصیرت برگزار می‌شود بنابراین ضروری است که در این دوره‌ها تعیین سرفصل‌ها، اساتید و منابع درسی به گونه ای باشد که بتواند در خصوص حذف یا کاهش عامل ترجیح منافع فردی بر منافع سازمانی اثرگذار باشد.

۲- بالا بردن سطح انگیزه خدمتی کارکنان با شایسته سالاری در انتصاب مدیران لایه یک تا سه، رفع سریع مشکلات شغلی کارکنان و تعیین تکلیف سریع مشاغل خالی و یا کارکنان بلا شغل و و بالا بردن شأن و منزلت اجتماعی کارکنان هم در درون جامعه و هم خانواده.

**ب-** با توجه به اینکه دو عامل «وجود فساد در نظام سیاسی و الگوگیری کارکنان از آن» و «حمایت از حامیان سیاسی در سازمان ناجا»، به عنوان اولویت اول و دوم عوامل سیاسی تأثیرگذار در جرم ارتشاء می‌باشند؛ لذا لازم است که سازمان ناجا برای حذف یا محدود سازی این دو عامل اقدام زیر را انجام دهد:

-عدم پذیرش نفوذهای سیاسی در مورد کارکنان مرتکب جرم ارتشاء به گونه ای که مدیران در مورد جرم ارتشاء صورت گرفته توسط کارکنان حتی اگر مال‌الرشوه بسیار ناچیز باشد تسامح (چشم‌پوشی) صفر داشته باشد و دقیقاً بر اساس ضوابط برخورد، اقدام و گزارش نماید و نفوذهای سیاسی مورد پذیرش آنها قرار نگیرد در غیر این صورت با مدیران متخلف برخوردای قاطعانه صورت گیرد.

**ت-** با توجه به اینکه دو عامل «تغییر ارزش‌ها در سطح جامعه (مادی‌گرا شدن اشخاص)» و «ضعف باورهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی در میان کارکنان»، به عنوان اولویت اول و دوم عوامل فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار در گرایش کارکنان به ارتکاب جرم ارتشاء می‌باشند؛ لذا لازم است که سازمان ناجا برای حذف یا محدود سازی این دو عامل اقدام زیر را انجام دهد:

- اشاعه و ترویج ارزش‌های اسلامی و انسانی در میان کارکنان به گونه ای که تغییر ارزش‌ها و ضعف باورهای اخلاقی موجب کاهش پایبندی‌های مذهبی، اخلاق و گسترش فردگرایی شود. مهم‌ترین عواملی که می‌تواند مقدمات و زمینه‌های اولیه را برای سوگیری احتمالی به ارتشاء فراهم کند، گسترش ارزش‌های مادی در جامعه و نادیده گرفتن ارزش‌ها و اخلاقیات است،

لذا ضروری است که سازمان با ترویج و اشاعه ارزش‌های اسلامی و انسانی در میان کارکنان دائماً سعی در تقویت پایبندی‌های مذهبی و اخلاقی کارکنان نماید و مانع مادی‌گرا شدن اشخاص و ضعف باورهای اخلاقی و ارزش‌های انسانی شود، که سازمان می‌تواند بانجام روش‌های عملی مانند ارتقا افراد ارزشی به مشاغل و درجات بالا موجب ترغیب و تأسی سایرین گردد.

## منابع فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۷). حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ بیستم، تهران: میزان.
۲. ال. وینفری، توماس (۱۳۸۸). نظریه‌های جرم‌شناسی (رضا افتخاری، مترجم)، چاپ اول، گناباد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گناباد.
۳. جزایری فارسانی، عباس (۱۳۸۲). معامله در مقام رشوه، دادرسی، شماره ۴۱.
۴. جعفری، باقر (۱۳۸۸). نقش فرماندهان و مدیران انتظامی در پیشگیری از جرم ارتشاء از نظر کارکنان سر کلانتری پنجم تهران بزرگ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۷۸). بررسی علل ارتکاب جرم ارتشاء در نیروهای مسلح (طرح پژوهشی)، تهران: سازمان قضایی نیروهای مسلح.
۶. حبیبی، نادر (۱۳۷۵). فساد اداری «عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه»، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشاراتی فرهنگی وثقی.
۷. دادگر، حسن؛ معصومی‌نیا، غلامعلی (۱۳۸۳). فساد مالی، چاپ اول، تهران: کانون اندیشه جوان.
۸. دادگر، یدالله؛ رحمانی، تیمور (۱۳۸۴). مبانی و اصول علم اقتصاد، چاپ چهارم، تهران: بوستان کتاب قم.
۹. دانش، تاج‌زمان (۱۳۸۴). مجرم کیست جرم‌شناسی چیست، چاپ دهم، تهران: کیهان.
۱۰. رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۸۸). جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران: فروزش.
۱۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۸). سرطان اجتماعی فساد، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. زراعت، عباس (۱۳۹۱). حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران: جنگل.
۱۳. سلاحی، جعفر (۱۳۸۸). اساس و مبانی جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران: جاودانه.
۱۴. سهرابی، محمد؛ رضازاده، محمد حسن (۱۳۸۷). بررسی عوامل زمینه‌ای مؤثر در وقوع جرایم مهم با تأکید بر ارتشاء، بازرسی کل ناجا، شماره ۶.
۱۵. صبور، منوچهر (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی سازمان‌ها، چاپ اول، تهران: شب تاب.
۱۶. فعال، صیدال (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نظارت و بازرسی در صحت عمل رد رشوه کارکنان پایور فرماندهانی مرزبانی ناجا «فرماندهی دریابانی استان بوشهر» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
۱۷. فلسون، مارکوس؛ کلارک، رونالد وی (۱۳۸۸). فرصت و بزهکاری (محسن کلانتری؛ سمیه قزلباش، مترجم)، تهران: دانش.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ سی و دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۹. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۶). مبانی جرم‌شناسی، جلد اول و دوم، چاپ هشتم، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. گسن، رمون (۱۳۸۹). جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی «نظریه عمومی تزویر» (شهرام ابراهیمی، مترجم)، چاپ اول، تهران: میزان.
۲۱. گرجی، علی اکبر؛ عابدی، سعید (۱۳۸۸). انتخابات در چنبره فساد مالی، حقوق عمومی، شماره ۵.

۲۲. محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۱). بررسی علل وقوع و شیوه‌های اثربخش پیشگیری از ضرب و جرح متهمین «مطالعه موردی فرماندهی انتظامی آذربایجان غربی از سال ۱۳۹۰-۱۳۸۷» (طرح پژوهشی)، آذربایجان غربی: دفتر تحقیقات کاربردی بازرسی ناجا.
۲۳. مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۰). سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چاپ اول، تهران: میزان.
۲۴. میرخلیلی، محمود (۱۳۸۸). پیشگیری وضعی از بزهکاری «با نگاهی به سیاست جنایی اسلام»، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۳). اقتصاد جرم و جنایت در ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۲۶. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۷)، حقوق کیفری اختصاصی «جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی»، چاپ یازدهم، تهران: میزان.
۲۷. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰). دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
۲۸. نجفی توانا، علی (۱۳۹۰). جرم‌شناسی، چاپ نهم، تهران: آموزش و سنجش.
۲۹. نوربها، رضا (۱۳۸۶). زمینه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران: گنج‌دانش.
۳۰. نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹). جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران: جنگل.
۳۱. نوروزی، نادر؛ شمسایی، مهدی (۱۳۸۷). بررسی عوامل مرتبط با ارتشاء در کلانتری‌های تهران بزرگ، بازرسی کل ناجا، شماره ۳.
۳۲. والایی، مسعود (۱۳۸۰). علل ارتکاب جرم رشاء و ارتشاء در نیروهای مسلح (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی «واحد تهران مرکز».
۳۳. ولد، جرج؛ برنارد، توماس؛ اسنیپس، جفری (۱۳۹۰). جرم‌شناسی نظری (علی شجاعی، مترجم)، چاپ چهارم، تهران: سمت.

#### منابع انگلیسی

34. Ayalew, Shimelis. (2005). Corruption and Anti-Corruption in Ethiopia: A case study of the Ethiopian customs authority (A Thesis for degree of Master). Addis Ababa University.
35. Cuifen. Weng. (2010). Analysis on the growth of bribery in China «A preliminary study» (A Thesis for degree of Master). Singapore University.
36. Martin, Kelly D. , Cullen. John B. , Jean L. Johnson. , & Parboteeah. K. Praveen. (2007). A cross-level analysis of firm and home country influences on bribery activity. Academy of Management Journal. Vol. 50. No. 6.
37. Strathern, Marilyn. (2000). The tyranny of transparency. British educational research journal, published by Taylor and Francis.
38. Verhezen, Peter. (2005). Gifts and Bribes «An Essay on the Limits of Reciprocity» (A Thesis for degree of PHD). Leuven University.